

A Contingency Model for Impact of Board Structure on Earning Quality: Structural Equation Modeling Approach

Farshad Sabzalipour¹, Mohammad Ali Aghaei², Adel Azar³,
Sahar Sepasi⁴

Received : 2018/06/19

Approved: 2018/10/07

Abstract:

The review of literature on the theoretical foundations of corporate governance suggests that agency theory has been the dominant theoretical framework in this context. Some scholars, claiming that this theory has paid little attention to organizational factors, have drawn attentions to the use of contingency theory in the study of corporate governance. In this regard, this study aims to provide a contingency model for the effect of the board structure on earnings quality. The sample includes 103 firms listed in Tehran Stock Exchange during the period from 2011 to 2016. The structural equation modeling approach and Smart PLS software have been used for modelling. The results show that competition, business strategy and firm size, as contingency factors, have a positive and significant effect on the board structure. Also, the board structure has a mediating role in the relation between contingency factors and earnings quality, and the adaptation between these factors and board structure affects the quality of earnings. Therefore, in Tehran Stock Exchange, the effects of the board structure on the earning quality with regard to contingency factors can be explained in the form of a structured model.

Keywords: Contingency theory, Agency theory, Board structure, Earning quality, Structural Equation Modeling.

JEL classification: M41, G34

DOI: 10.22051/jera.2018.20861.2066

¹ Assistant professor of accounting, Ilam university, Ilam, Iran, corresponding author,
(f.sabzalipour@ilam.ac.ir)

² Associate professor of accounting, Tarbiat Modares university, Tehran, Iran,
(aghaeim@modares.ac.ir)

³ Professor of Management, Tarbiat Modares university, Tehran, Iran, (azara@modares.ac.ir)

⁴ Associate professor of accounting, Tarbiat Modares university, Tehran, Iran,
(sepasi@modares.ac.ir)

<https://jera.alzahra.ac.ir>

ارائه مدل اقتضایی تأثیر ساختار هیئت مدیره بر

کیفیت سود: رویکرد معادلات ساختاری

فرشاد سبزی علی پور*، محمدعلی آقایی**، عادل آذر***، سحر سپاسی****

تاریخ دریافت: ۹۷/۰۳/۲۹

تاریخ پذیرش: ۹۷/۰۷/۱۵

مقاله پژوهشی

چکیده

مرور ادبیات موجود در باره بنیان‌های نظری حاکمیت شرکتی حاکی از آن است که تئوری نمایندگی، چارچوب نظری غالب در این حوزه بوده است. برخی از محققین با طرح این ادعا که این تئوری توجه اندکی به فاکتورهای سازمانی معطوف داشته است، استفاده از تئوری اقتضایی در مطالعه حاکمیت شرکتی را مورد توجه قرار داده‌اند. در این راستا، تحقیق حاضر به ارائه مدل اقتضایی تأثیر ساختار هیئت مدیره بر کیفیت سود پرداخته است. نمونه تحقیق شامل ۱۰۳ شرکت پذیرفته شده در بورس تهران طی دوره ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ است. برای ارائه مدل از رویکرد مدل‌یابی معادلات ساختاری و نرم‌افزار اسمارت پی ال اس استفاده شده است. نتایج تحقیق نشان داد که رقابت، استراتژی تجاری و اندازه شرکت به عنوان فاکتورهای اقتضایی بر ساختار هیئت مدیره تأثیر مثبت و معناداری دارند، همچنین، ساختار هیئت مدیره در رابطه بین فاکتورهای اقتضایی و کیفیت سود دارای نقش میانجی است و سازگاری بین این فاکتورها و ساختار هیئت مدیره بر کیفیت سود تأثیر دارد. بنابراین، در بورس اوراق بهادار تهران تأثیر ساختار هیئت مدیره بر کیفیت سود با در نظر گرفتن فاکتورهای اقتضایی در قالب یک مدل ساختاری قابل تبیین است.

واژه‌های کلیدی: تئوری نمایندگی، تئوری اقتضایی، ساختار هیئت مدیره، کیفیت سود، معادلات

ساختاری.

طبقه بندی موضوعی: M41, G34

DOI: 10.22051/jera.2018.20861.2066

* استادیار گروه حسابداری، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران، (نویسنده مسئول)، (f.sabzalipour@ilam.ac.ir).

** دانشیار گروه حسابداری، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران، (aghaim@modares.ac.ir).

*** استاد گروه مدیریت دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران، (azara@modares.ac.ir).

**** دانشیار گروه حسابداری دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران، (sepasi@modares.ac.ir).

<https://jera.alzahra.ac.ir>

مقدمه

بیشتر ادبیات تجربی تلاش کرده‌اند تا حاکمیت شرکتی را از دیدگاه تئوری نمایندگی مورد مطالعه قرار دهند و در این راستا روابطی بین رویه‌های مختلف حاکمیت شرکتی نظیر ساختار هیئت مدیره و ساختار مالکیت با کیفیت سود کشف کرده‌اند (بالسام و دیگران، ۲۰۰۲؛ ابراهیم، ۲۰۰۴؛ کورنت و دیگران، ۲۰۰۸؛ کلین، ۲۰۰۲؛ ابراهیم، ۲۰۰۷؛ دچو و همکاران، ۲۰۱۰؛ مایر و سبویی، ۲۰۰۶؛ لیم، ۲۰۱۱؛ ایزدی نیا و ر سائیان، ۱۳۹۰؛ قدرتی و فیضی، ۱۳۹۴؛ ستایش و ابراهیمی، ۱۳۹۱؛ آقایی و چالاکی، ۱۳۸۸). این ادبیات مبتنی بر این فرض است که با مدیریت کردن مسئله تضاد نمایندگی بین سهامداران و مدیران، شرکت‌ها دارای رفتار فرصت طلبانه کمتری خواهند بود و در نتیجه کیفیت سود بهبود خواهد یافت. از سوی دیگر، رویکرد نمایندگی به طور ضمنی فرض می‌کند که یک مجموعه روابط کلی (جهان‌شمول) بین رویه‌های حاکمیت شرکتی و کیفیت سود شرکت وجود دارد. از این رو، تمرکز بر تئوری نمایندگی باعث گردیده است تا محققین دیدگاه سیستم بسته از سازمان را بپذیرند.

بیشتر رویه‌های سیاست‌گذاری در مجموعه قوانین حاکمیت شرکتی خوب بر دیدگاه کلی بهترین رویه متمرکز بوده‌اند (فیس و زاجاک، ۲۰۰۴). این تفکر از زمان رساله برل و مینز (۱۹۳۲) بر تحقیقات ساختار حاکمیتی حاکم شده است و با وجود حمایت از این تفکر تا به امروز، شکست‌های حاکمیتی نشان داده‌اند که شرکت‌ها تفاوت‌های قابل توجهی با هم دارند، و سیستم حاکمیتی که برای یک شرکت مطلوب است ممکن است برای سایر شرکت‌ها مطلوب نباشد (مینتزبرگ، ۱۹۷۹). از سوی دیگر، تلاش‌های تحقیقی فراوان با استفاده از این تفکر، به یافته‌های تجربی متناقض منتهی شده است. به عنوان نمونه، وجود رابطه بین حاکمیت شرکتی و سود گزارش شده به طور گسترده در ادبیات موضوع از دیدگاه تئوریک و مطالعات تجربی مورد حمایت قرار گرفته است. اما در خصوص این رابطه، اغلب بین محققین حسابداران اختلاف نظر وجود دارد و رابطه بین این دو سازه تاکنون به خوبی درک نشده و مطالعات صورت گرفته اغلب یافته‌های تجربی متناقضی را فراهم کرده‌اند. به عنوان نمونه در خصوص بررسی تأثیر ویژگی‌های هیئت مدیره بر کیفیت سود، برخی از تحقیقات نشان داده‌اند که هیئت مدیره متشکل از اعضای غیرموظف بیشتر با کیفیت بالاتر سود رابطه دارد (کلین، ۲۰۰۲؛ افندی و همکاران، ۲۰۰۷) در حالی که برخی مطالعات نشان دادند که استقلال هیئت مدیره تأثیر قابل

توجهی بر کیفیت گزارشگری مالی ندارد (وارفیلد و همکاران، ۱۹۹۵؛ آرمسترونک و همکاران، ۲۰۱۰).

بسیاری از محققین، یکی از دلایل وجود یافته‌های متناقض در خصوص رابطه حاکمیت شرکتی با کیفیت سود را معلول استفاده از تئوری نمایندگی به عنوان پشتوانه تئوریک تحقیقات قبلی می‌داند (رونن و یاری، ۲۰۱۱). در این خصوص چنین ادعا شده است که تئوری نمایندگی مبتنی بر رویکرد سیستم بسته است. این رویکرد، تعامل بین شرکت با محیط را نادیده می‌گیرد، از این رو، چنین مطالعاتی، بر فاکتورهای سازمانی و زمینه‌های محیطی که شرکت‌ها در آن فعالیت می‌کنند کمتر تمرکز کرده‌اند. به دلیل ارائه نتایج متناقض در حوزه پژوهش‌های حاکمیت شرکتی و کیفیت سود، برخی از محققین به وجود رابطه مستقیم بین رویه‌های حاکمیت شرکتی و کیفیت سود به دید تردید نگاه می‌کنند (گوفار و اسلام، ۲۰۱۳).

آنان با اشاره به ناتوانی تئوری نمایندگی در توضیح متفاوت بودن رویه‌های حاکمیت شرکتی و اثرات متفاوت آن بر کیفیت سود در محیط‌های سازمانی مختلف، این پرسش را مطرح کرده‌اند که آیا این رابطه در حالت‌های مختلف وجود تضادهای نمایندگی، عوامل سازمانی و محیط‌های مختلف برقرار است؟ (مایلز، ۱۹۹۴). مسئله یافته‌های متناقض سبب شده است تا برخی از محققین نیاز به یک دیدگاه اقتضایی از حاکمیت شرکتی را مورد توجه قرار داده‌اند (ویلیام سون، ۱۹۸۳؛ هراکلوس، ۲۰۰۱؛ استربل، ۲۰۰۴). به عنوان مثال، هراکلوس (۲۰۰۱) مدعی شد که جهت‌گیری آتی مفید برای تحقیق در زمینه حاکمیت شرکتی، استفاده از یک دیدگاه اقتضایی است. هرمالین و ویسبک (۲۰۰۳) نیز دریافته‌اند که استقلال هیئت مدیره ممکن است برای تمام شرکت‌ها با ویژگی‌های اقتضایی مختلف ایده‌آل نباشد. میتزبرگ (۱۹۸۳) بیان نمود: ترکیب هیئت مدیره باید با توجه به میزان وابستگی شرکت به محیط فعالیت آن، طراحی گردد. ویلیام سون (۱۹۸۳) پیشنهاد کرد که ساختار سازمانی یک شرکت بر ساختار هیئت مدیره تأثیر دارد. به طور خاص، وی تأکید کرد که هیئت مدیره تحت کنترل افراد درونی برای اشکال سازمانی غیرمتمرکز مناسب است.

تئوری اقتضایی یک رویکرد جدید برای مطالعه سیستم‌های کنترلی از جمله حاکمیت شرکتی فراهم می‌کند؛ بنابراین در این تحقیق بنیان‌های تئوریک و ویژگی‌های انتخاب شده از ادبیات مبتنی بر تئوری اقتضایی اقتباس می‌گردد. بر اساس این تئوری، ساختار هیئت مدیره

شرکت‌ها به زمینه‌های سازمانی که شرکت در آن فعالیت می‌کند وابسته است و سازگاری بین زمینه‌های سازمانی و ساختار هیئت مدیره به بهبود کیفیت سود منجر می‌گردد. در این راستا، هدف تحقیق حاضر ارائه یک مدل اقتضایی در خصوص تأثیر ساختار هیئت مدیره بر کیفیت سود است. این تحقیق به شناخت این موضوع که چگونه شرکت‌ها ساختار هیئت مدیره خود را با توجه به فاکتورهای اقتضایی حاصل از محیط و ویژگی‌های سازمانی تدوین می‌کنند و اینکه این فاکتورها در تأثیر ساختار هیئت مدیره بر کیفیت سود چه نقشی دارند، فراهم می‌کند.

تحقیق حاضر ریشه در تحقیقات قبلی انجام شده در حوزه حاکمیت شرکتی و کیفیت سود دارد و در واقع حلقه ایست جدید که به سلسله تحقیقات قبلی افزوده می‌شود. انتظار می‌رود این تحقیق تصویری روشنی از رفتار شرکت‌های بورس تهران راجع به اینکه چگونه آنها ساختار هیئت مدیره خود را با توجه به فاکتورهای اقتضایی تدوین می‌کنند، فراهم کند و از این طریق به سرمایه‌گذاران و مدیران در اتخاذ تصمیمات سرمایه‌گذاری و اقتصادی و همچنین به قانون‌گذاران در بهبود آئین‌نامه‌ها و مقررات مربوط به ساختار هیئت مدیره کمک کند.

ادبیات نظری و پیشینه تحقیق

حاکمیت شرکتی با رویکرد اقتضایی

تئوری اقتضایی مبتنی بر این دیدگاه است که سازمان‌ها دارای ماهیتی چند متغیره هستند، بنابراین، بیش از یک متغیر در شرایط مختلف باید مشاهده و تجزیه و تحلیل گردد. یکی از جنبه‌های جالب توجه تئوری اقتضایی تمرکز آن بر این دیدگاه است که یک سازمان باید به عنوان یک سیستم باز که با محیط خود در تعامل است، در نظر گرفته شود. تئوری اقتضایی مبتنی بر این ایده است که برای سازماندهی هیچ راهی به عنوان بهترین راه وجود ندارد؛ بلکه در عوض، بهترین راه برای سازماندهی به ماهیت محیطی که سازمان با آن در ارتباط است، بستگی دارد (اسکات، ۱۹۹۸).

یک سیستم حاکمیت شرکتی اثربخش به طور بالقوه فرآیندهای گزارشگری و نظارتی را بهبود و از این رو، نقش مهمی در موفقیت شرکت ایفاء می‌کند. آنچه که از یافته‌های عملی استنباط می‌شود این است که حاکمیت شرکتی در خلاء وجود ندارد. چارچوب مایلز (۱۹۹۴) بیان می‌کند که دو شرکت نباید سیستم حاکمیت شرکتی یکسانی داشته باشند مگر اینکه مشابه

باشند. بنابراین، ویژگی‌های خاص و نیاز به سیستم‌های حاکمیت شرکتی ممکن است در زمینه‌های سازمانی مختلف متفاوت باشد. این گزاره ارائه شده در چارچوب حاکمیت شرکتی (چاپمن، ۱۹۹۷) متناظر با مبانی تئوری اقتضایی است که مدعی است هر سازمان باید مناسب‌ترین سیستم‌های کنترلی خود را با در نظر گرفتن ویژگی‌های اقتضایی انتخاب کند (چاپمن، ۱۹۹۷؛ چن هال، ۲۰۰۳). از سوی دیگر، مطابق مبانی تئوری اقتضایی، سازگاری سیستم‌های حاکمیت شرکتی با ویژگی‌های اقتضایی منجر به بهبود اثربخشی آنها می‌گردد (چن هال؛ ۲۰۰۳؛ دونالدسون، ۲۰۰۱؛ درازین و وان در ون، ۱۹۸۵؛ اوتلی، ۱۹۸۰). این دیدگاه، در دهه‌های گذشته، با استفاده از تعدادی از مطالعات تجربی مورد حمایت قرار گرفته است. این مطالعات به دو حوزه کلی تقسیم می‌گردند: (۱) مطالعاتی که فاکتورهای اقتضایی را به عنوان عوامل مقدم بر ساختار حاکمیت شرکتی بکار می‌برند (زاجاک و وست فال، ۱۹۹۴؛ کورن فورث، ۲۰۰۳؛ کولز و همکاران، ۲۰۰۸؛ بون و همکاران، ۲۰۰۷؛ گاست، ۲۰۰۸)؛ (۲) مطالعاتی که تأثیر سازگاری حاکمیت شرکتی با فاکتورهای اقتضایی را بر پیامدها بررسی کرده‌اند (دیویس، ۱۹۹۱؛ کورن فورث، ۲۰۰۳؛ جو کوپی، ۲۰۰۶؛ زونا و همکاران، ۲۰۱۳؛ گوفا و اسلام، ۲۰۱۳). در ادامه به تشریح برخی از این مطالعات پرداخته شده است.

در خصوص مطالعات دسته اول، رویی (۲۰۰۳) و پاناگو و ولپین (۲۰۰۵) مدعی هستند که زمینه محیطی شرکت‌ها تعیین‌کننده اندازه هزینه‌های نمایندگی مدیریتی است که بر سهامداران تحمیل می‌گردد. رویی (۲۰۰۳) استدلال می‌کند که سهامداران ساختار حاکمیت شرکتی خود را به منظور کاهش تهدیدهای ناشی از تغییرات در محیط پیرامون شرکت تغییر می‌دهند. بنابراین، شرکت‌ها ممکن است به منظور بهبود کیفیت نظارت، تمرکز مالکیت یا اندازه هیئت مدیره را افزایش دهند. آدامز و فریرا (۲۰۰۷) و لینک و همکاران (۲۰۰۸) با مطالعه عوامل تعیین‌کننده ساختار هیئت مدیره دریافتند که شرکت‌ها ساختار هیئت مدیره خود را در واکنش به ساختار سازمانی شرکت تدوین می‌کنند. آنان نشان دادند که شرکت‌های فعال در محیط‌های پیچیده‌تر و دارای عدم اطمینان بالاتر مستلزم هیئت مدیره بزرگتر هستند. با افزایش اندازه هیئت مدیره، تنوع دیدگاه‌ها و مهارت‌های در دسترس و پیوندهای مهم با سایر شرکت‌ها افزایش می‌یابد که همین موضوع می‌تواند عملکرد شرکت را در یک محیط پیچیده و دارای عدم اطمینان بالاتر را بهبود ببخشد. فیلاتو تچو و تامز (۲۰۰۳) بیان کردند که هیئت مدیره بخشی از

سازمان و محیط بیرونی است؛ بنابراین نقش نظارتی و کنترلی هیئت مدیره ممکن است در محیط‌های مختلف تفاوت داشته باشد؛ آنان نشان دادند که اثربخشی نظارت و کنترل توسط هیئت مدیره به اندازه شرکت، استراتژی تجاری و شدت رقابت بستگی دارد.

برادشو (۲۰۰۶) با مطالعه نقش تئوری اقتضایی در ساختار حاکمیت شرکتی دریافتند که مدل حاکمیتی با توجه به محیط بیرونی و سایر فاکتورهای اقتضایی مانند اندازه شرکت، استراتژی تجاری و ساختار سازمانی متفاوت است. وی دریافت که در یک محیط با ثبات، سازمان‌های دارای ساختار سازمانی بوروکراتیک‌تر و کمیته‌های هیئت مدیره توسعه یافته‌تری هستند. در مقابل، در سازمان‌های با اندازه کوچک‌تر که با یک محیط نامطمئن و پیچیده مواجه هستند، یک شکل منعطف‌تر حاکمیتی با تسهیم قدرت بیشتر بین هیئت مدیره و کارکنان ایجاد می‌کنند و کمیته‌های آنان دارای ساختاری با رسمیت کمتر است. ویلیام سون (۱۹۸۳) شواهدی دریافت مبنی بر اینکه هیئت مدیره تحت کنترل افراد درونی برای شکل سازمانی نوع غیرمتمرکز مناسب است. تیان و تویت (۲۰۰۹)، گیروود و مولر (۲۰۱۰) و چو و همکاران (۲۰۱۱) نشان دادند که رقابت تجاری بر حاکمیت شرکتی تأثیر مثبتی دارد، بدین معنی که رقابت جایگزینی برای حاکمیت شرکتی است. ویو (۲۰۰۸) دریافت که مکانیزم‌های حاکمیتی مانند مالکیت مدیریتی و شایستگی هیئت مدیره با استراتژی نوآورانه رابطه مثبتی دارد. بیکر-بلیس (۲۰۰۱) نیز دریافتند که حاکمیت شرکتی بهتر که از طریق شاخص حاکمیت شرکتی اندازه گیری می‌شود، با استراتژی نوآوری رابطه مثبتی دارد.

زاجاک و وست فال (۱۹۹۴) نشان دادند که محیط رقابتی به عنوان یک فاکتور اقتضایی بیرونی و استراتژی شرکت به عنوان یک فاکتور درونی به عنوان یک عامل تعیین کننده اندازه و ترکیب هیئت مدیره به شمار می‌روند. کیل و نیکلسون (۲۰۰۳) نشان دادند استراتژی تجاری با ساختار و اثربخشی هیئت مدیره رابطه دارد و شرکت‌های دارای استراتژی تنوع‌بخشی دارای اندازه هیئت مدیره بزرگتری هستند. گانی و جرمیاس (۲۰۰۶) دریافتند که استقلال بیشتر مدیران برای شرکت‌های دارای استراتژی کارایی هزینه سودمند است تا شرکت‌های دارای استراتژی نوآورانه؛ چرا که نظارت شدید مدیران مستقل، توانایی مدیران اجرایی در اتخاذ تصمیمات نوآورانه را محدود می‌کند. رندی و جنسون (۲۰۰۴) نشان دادند که صنایع رقابتی‌تر باید دارای اعضای هیئت مدیره بیرونی کمتری باشند. اوبا و همکاران (۲۰۱۴) دریافتند که

اندازه شرکت به عنوان یک فاکتور اقتضایی درونی یکی از عوامل تعیین کننده ساختار هیئت مدیره است.

چنگ (۲۰۰۸) و لهن و همکاران (۲۰۰۹) مدعی هستند که شرکت‌های بزرگتر به مدیران غیرموظف بیشتری نیاز دارند چرا که اندازه بزرگ آنها منجر به مسائل نمایندگی بیشتر می‌گردد.

در خصوص مطالعات دسته دوم، زهرا و پیرس (۱۹۸۹) در یک مقاله مروری استدلال‌هایی را برای کاربرد یک دیدگاه اقتضایی حاکمیت شرکتی مطرح کردند. آنها استدلال کردند که به منظور اطمینان از اثربخشی نقش‌های کنترلی و نظارتی هیئت مدیره و در نتیجه بهبود عملکرد شرکت، ویژگی‌های هیئت مدیره باید با فاکتورهای سازمانی و محیطی مانند رقابت و استراتژی تجاری سازگاری داشته باشند. دالتون و همکاران (۱۹۹۹) نشان دادند که سازگاری ساختار حاکمیت شرکتی به ویژه ساختار هیئت مدیره با فاکتورهای اقتضایی نظیر ساختار سازمانی و عدم اطمینان محیطی به بهبود عملکرد منجر می‌گردد. همچنین، آنان دریافتند که در محیط‌های متلاطم، ویژگی‌های هیئت مدیره نظیر اندازه، فعالیت و مالکیت سهام نسبت به ترکیب هیئت مدیره تأثیر بیشتری بر اثربخشی نقش‌های هیئت مدیره و عملکرد شرکت دارد.

کورن فورث (۲۰۰۳) با استفاده از یک مدل میانجی نشان داد که متغیرهای اقتضایی نظیر اندازه شرکت بر ویژگی‌های هیئت مدیره شامل ترکیب، روابط و فرآیندهای آن تأثیر دارد و این اثرات نیز به نوبه خود بر نقش‌ها و اثربخشی هیئت مدیره تأثیرگذار است. دیویس (۱۹۹۱) در رساله خود با عنوان نقش‌های رهبری هیئت مدیره و بازده سهامداران: بررسی تئوری نمایندگی با استفاده از تئوری اقتضایی و رویکرد میانجی نشان داد که سازگاری ساختار حاکمیت شرکتی با محیط به بهبود عملکرد شرکت منجر می‌گردد.

جو کوپی (۲۰۰۶) با مطالعه ساختار کنترلی و اثربخشی آن با استفاده از رویکرد اقتضایی دریافت که ساختار کنترلی به عنوان بخشی از ساختار حاکمیتی شرکت در رابطه بین ویژگی‌های اقتضایی (شامل استراتژی تجاری، اندازه و عدم اطمینان محیطی) و اثربخشی ساختار کنترلی نقش میانجی بازی می‌کند، بدین معنی که سازگاری ساختار حاکمیتی شرکت با استراتژی تجاری، اندازه و عدم اطمینان محیطی منجر به بهبود اثربخشی می‌گردد. همچنین جو کوپی در پژوهش دیگر در سال ۲۰۱۰ با مطالعه عوامل تعیین کننده پیامدهای حاکمیت

شرکتی با استفاده از تئوری اقتضایی دریافت که از یک طرف استراتژی تجاری، عدم اطمینان محیطی با حاکمیت شرکتی رابطه معناداری دارند و از طرف دیگر حاکمیت شرکتی در رابطه بین عدم اطمینان محیطی و عملکرد شرکت نقش میانجی دارد.

پراساد و جانی (۲۰۱۷)، زونا و همکاران (۲۰۱۳)، پاگلیز و گرین (۲۰۰۲) و برسون و همکاران (۲۰۰۱) با ارائه ارائه مدل‌های اقتضایی نشان دادند که اندازه شرکت به عنوان یک فاکتور اقتضایی بر رابطه بین برخی ویژگی‌های هیئت مدیره با پیامدهای سازمانی نظیر عملکرد و نوآوری تأثیر دارد. بوید (۱۹۹۵) نیز نشان داد که دو گانگی وظیفه مدیر عامل بر عملکرد تأثیر دارد، و این رابطه به عدم اطمینان محیطی به عنوان یک فاکتور اقتضایی وابسته است. گوفا و اسلام (۲۰۱۳) با ارائه مدل اقتضایی اثربخشی حاکمیت شرکتی دریافتند که استراتژی تجاری و رقابت تجاری به عنوان دو فاکتور اقتضایی جزو عوامل تعیین کننده ساختار حاکمیت شرکتی هستند. همچنین، آنان با استفاده از یک مدل میانجی نشان دادند که سازگاری ساختار حاکمیت شرکتی با این فاکتورها منجر به بهبود عملکرد و کیفیت سود می‌گردد.

ساختار هیئت مدیره و کیفیت سود

اطمینان از کیفیت گزار شگری مالی یکی از مهمترین نقش‌هایی است که حاکمیت شرکتی بازی می‌کند (کوهن و همکاران، ۲۰۰۴). مکانیزم‌های مختلف حاکمیتی، به ویژه ساختار هیئت مدیره، نقش مهمی در کنترل و نظارت بر سیستم‌های گزار شگری مالی بازی می‌کنند و از این طریق فرصت مدیر جهت مدیریت سود و اقدام به رویه‌های متقلبانه را محدود می‌کند (آبوت و همکاران، ۲۰۰۴؛ دجو و همکاران، ۲۰۱۰؛ مایر و سبویی، ۲۰۰۶). وجود رابطه بین ساختار هیئت مدیره و کیفیت سود به طور گسترده در مطالعات نظری و تجربی مورد حمایت قرار گرفته است (کائو و چن، ۲۰۰۴؛ داویدسون و همکاران، ۲۰۰۵؛ کلین، ۲۰۰۲). اما در خصوص این رابطه، اغلب بین محققین اختلاف نظر دارد و رابطه بین این دو سازه تاکنون به خوبی درک نشده به طوری که مطالعات تجربی حاکی از وجود یافته‌های متناقض است. به عنوان نمونه، برخی از مطالعات نشان داده‌اند که هیئت مدیره‌ای متشکل از اعضای غیرموظف بیشتر با کیفیت بالاتر سود رابطه دارد (کلین، ۲۰۰۲؛ افندی و همکاران، ۲۰۰۷؛ آقایی و چالاکی، ۱۳۸۸؛ ایزدی نیا و رسائیان، ۱۳۹۰) در حالیکه یافته‌های برخی از مطالعات حاکی از عدم تأثیر استقلال

هیئت مدیره بر کیفیت سود است (وارفیلد و وایلد، ۱۹۹۵؛ آرم‌استرونگ و همکاران، ۲۰۱۰؛ قدرتی و فیضی، ۱۳۹۴، ستایش و ابراهیمی، ۱۳۹۱).

برخی از محققین مانند رونن و یاری (۲۰۰۸) بر این باورند که به دلیل وجود نتایج متناقض، تحقیقات تجربی در فراهم کردن فهم جامع تأثیر حاکمیت شرکتی بر کیفیت سود ناتوان بوده‌اند؛ چرا که فرآیندها و سایر فاکتورهایی که ممکن است در این رابطه نقش بازی کنند توسط محققین مورد توجه قرار نگرفته‌اند. برخی دیگر از محققین نظیر گوفار و اسلام (۲۰۱۳) یکی از دلایل وجود نتایج متناقض را ناشی از تئوری پشتوانه تحقیقات قبلی می‌دانند؛ بدین معنی که این تحقیقات عمدتاً مبتنی بر تئوری نمایندگی بوده و به نقش عوامل اقتضایی مرتبط با محیط سازمانی توجه نکرده‌اند. این در حالی است که استفاده از تئوری اقتضایی می‌تواند توضیح جامع‌تری راجع به عوامل تعیین‌کننده (استراتژی، رقابت و...) و اثربخشی حاکمیت شرکتی (کیفیت سود) فراهم کند.

فرضیه‌های تحقیق

با عنایت به مبانی نظری تحقیق، فرضیات تحقیق به شرح زیر تدوین می‌گردند:

- فرضیه ۱: ساختار هیئت مدیره بر کیفیت سود تأثیر دارد.
- فرضیه ۲: رقابت تجاری بر ساختار هیئت مدیره تأثیر دارد.
- فرضیه ۳: استراتژی تجاری بر ساختار هیئت مدیره تأثیر دارد.
- فرضیه ۴: اندازه شرکت بر ساختار هیئت مدیره تأثیر دارد.
- فرضیه ۵: رقابت تجاری بر کیفیت سود تأثیر دارد.
- فرضیه ۶: استراتژی تجاری بر کیفیت سود تأثیر دارد.
- فرضیه ۷: اندازه شرکت بر کیفیت سود تأثیر دارد.
- فرضیه ۸: ساختار هیئت مدیره در رابطه بین رقابت تجاری و کیفیت سود نقش میانجی دارد.
- فرضیه ۹: ساختار هیئت مدیره در رابطه بین استراتژی تجاری و کیفیت سود نقش میانجی دارد.
- فرضیه ۱۰: ساختار هیئت مدیره در رابطه بین اندازه شرکت و کیفیت سود نقش میانجی دارد.

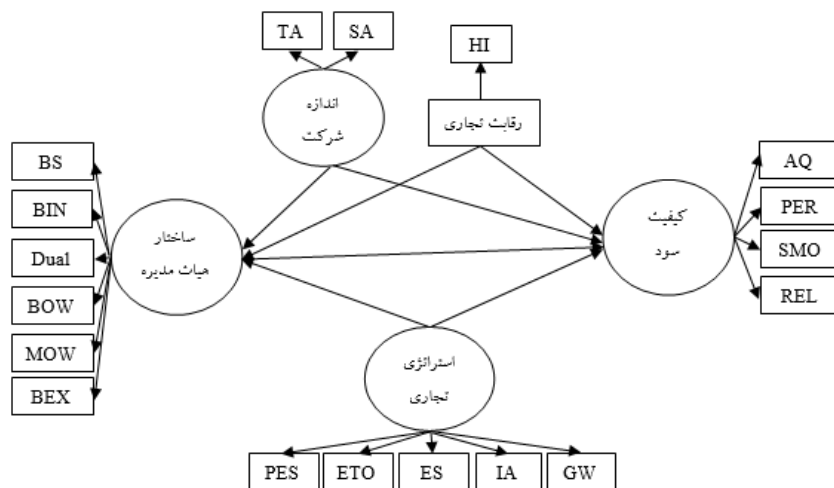
مدل مفهومی تحقیق

تئوری اقتضایی به عنوان یک رویکرد جدید، توضیحی برای تنوع سیستم‌های حاکمیت شرکتی که در عمل مشاهده شده است، ارائه می‌کند و به همین دلیل، مبانی نظری و ویژگی‌های انتخاب شده این پژوهش از ادبیات مبتنی بر اقتضایی استخراج می‌گردد. با بهره‌گیری از مبانی تئوری اقتضایی در حاکمیت شرکتی، و به طور خاص ساختار هیئت مدیره، که در بخش‌های پیشین ارائه شد، می‌توان ادعا کرد که نخست، ویژگی‌های اقتضایی جزو عوامل تعیین‌کننده ساختار هیئت مدیره هستند، بنابراین، فاکتورهای اقتضایی بر ساختار هیئت مدیره تأثیر دارد. دوم، سازگاری ساختار هیئت مدیره با فاکتورهای اقتضایی منجر به بهبود اثربخشی آن می‌گردد (گوفار و اسلام، ۲۰۱۳).

سازگاری یک مفهومی بنیادی در تئوری اقتضایی است که دارای اشکال مختلفی است (دونالدسون، ۲۰۰۱). مطالعات مبتنی بر تئوری اقتضایی برای مدلسازی روابط، یک یا چند شکل از سازگاری را استفاده کرده‌اند. مرور این تحقیقات بیانگر آن است که اغلب مطالعات بر اشکال (رویکرد) میانجی و تعدیل‌گر تمرکز دارند (درازین و وان در ون، ۱۹۸۵؛ اسپچونون، ۱۹۸۱؛ گردین و گریو، ۲۰۰۴). در تحقیق حاضر به منظور مدلسازی روابط بین متغیرهای پژوهش (ویژگی‌های اقتضایی، ساختار هیئت مدیره و کیفیت سود) از رویکرد میانجی استفاده شده است. استفاده از رویکرد میانجی به دو دلیل صورت گرفته است. نخست، در این تحقیق چنین ادعا شده است که از یک طرف، ویژگی‌های اقتضایی بر ساختار هیئت مدیره تأثیر دارند و از طرف دیگر، ساختار هیئت مدیره بر کیفیت سود تأثیر گذار است.

بنابراین، انتظار می‌رود ساختار هیئت مدیره در نقش یک متغیر میانجی بخشی یا کل اثر ویژگی‌های اقتضایی بر کیفیت سود را منتقل کند. دوم، با استناد به گردین و گریو (۲۰۰۴)، فرض اساسی مدل میانجی این است که متغیر میانجی (ساختار هیئت مدیره) با متغیر مستقل (ویژگی‌های اقتضایی) رابطه داشته باشد، در حالی که این فرض در مورد مدل تعدیل‌گر نامعتبر است. به عبارتی دیگر، در مدل تعدیل‌گر فرض می‌گردد متغیر مستقل و تعدیل‌گر مستقل از هم هستند و یک اثر ثانوی جدید از طریق اثر تعاملی بین این دو متغیر (که از هم مستقل هستند) ایجاد می‌گردد. در این خصوص، شایلد و شایلد (۱۹۹۸) بیان می‌کند که: متغیر تعدیل‌گر با متغیر مستقل همبستگی غیرمعناداری دارد. این بدان معنی است که متغیر تعدیل‌گر

نباید با متغیر مستقل رابطه داشته باشد. اگر این وضعیت برقرار نباشد، شکل تعدیل‌گر سازگاری تصویر درستی از روابط بین متغیرها فراهم نمی‌کند و در عوض باید از مدل میانجی استفاده کرد. همچنین، بشلیده (۱۳۹۶) در کتاب روش‌های پژوهش و تحلیل آماری چنین می‌گوید: نداشتن رابطه معنی‌دار با متغیر مستقل و وابسته، یکی از ملاحظات اساسی متغیر تعدیل‌گر است. البته این شرط یک ایده‌آل است که به جمله تعامل بین متغیر مستقل و تعدیل‌گر مفهوم روشنی می‌بخشد و تفسیر تعامل را با معنی می‌کند. با عنایت به این توضیحات، و این‌که یافته‌های مطالعات تجربی ارائه شده در بخش پیشینه تحقیق (مانند، آدامز و فریرا، ۲۰۰۷؛ لینک و همکاران، ۲۰۰۸؛ زاجاک و وست فال، ۱۹۹۴؛ گیروود و مولر، ۲۰۱۰) حاکی از آن است که ویژگی‌های اقتضایی با ساختار هیئت مدیره رابطه دارند، لذا استفاده از رویکرد تعدیل‌گر قادر به ارائه تصویر درستی از روابط بین متغیرهای تحقیق نیست، از این رو، روابط بین متغیرهای تحقیق با استفاده از مدل میانجی ترسیم می‌گردد. بر این اساس، مدل مفهومی تحقیق به شرح شکل (۱) ترسیم شده است. در این شکل، معرف‌های بکار رفته جهت سنجش سازه‌های تحقیق نیز نشان داده شده است.



شکل (۱): مدل مفهومی تحقیق

روش تحقیق

این پژوهش از نوع نیمه تجربی و در حوزه تحقیقات توصیفی (غیرآزمایشی) و از نظر هدف از نوع کاربردی است. روش این پژوهش از نوع همبستگی و مبتنی بر مدل‌یابی معادلات ساختاری است. یک مدل ساختاری به بررسی مجموعه‌ای از روابط وابستگی به طور همزمان می‌پردازد و شامل مدل اندازه‌گیری (تحلیل عاملی تأییدی) و مدل ساختاری است. مدل اندازه‌گیری نشان می‌دهد که چگونه سازه‌های پنهان در قالب تعدادی معرف (متغیر قابل مشاهده) اندازه‌گیری شده‌اند و مدل ساختاری یا تحلیل مسیر، نیز روابط علی بین این سازه‌های پنهان را مشخص می‌کند.

جامعه آماری شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره ۱۳۹۱ تا ۱۳۹۵ است، در خصوص متغیرهای قابلیت پیش‌بینی و هموار بودن سود به دلیل استفاده از روش غلتان (چرخشی) داده‌های مورد نیاز از سال ۱۳۸۷ مورد استفاده قرار می‌گیرد. شرکت‌هایی در نمونه قرار می‌گیرند که شرایط زیر را برآورده کنند؛ (۱) جزوه شرکت‌های فعال در صنعت مالی، پیمانکاری، بانک‌ها و موسسات اعتباری نباشند؛ (۲) سال مالی آنها منتهی به پایان ماه اسفند بوده، وقفه معاملاتی قابل توجه نداشته و داده‌های آنها برای دوره زمانی تحقیق در دسترس باشد؛ (۳) شرکت‌های فعال در صنایعی که کمتر از ۵ شرکت دارند و همچنین آنهایی که مالک بیش از ۵۰ درصد سهم بازار در یک صنعت باشد حذف می‌گردد، چون این نشانه‌ای از وجود انحصار است. با اعمال شروط فوق، تعداد ۱۰۳ شرکت به عنوان نمونه نهایی انتخاب گردید. کلیه داده‌های مورد نیاز با استفاده از نرم افزار رهاورد نوین و و سایت اینترنتی کدال جمع‌آوری شد. در ابتدا متغیرهای پژوهش، با استفاده از نرم‌افزارهای اکسل و اس‌پی‌اس‌آ آماده و تحلیل نهایی با استفاده از نرم‌افزار اسمارت پی‌ال‌اس انجام شده است. در نگاره (۱) نحوه سنجش متغیرهای تحقیق ارائه شده است.

نگاره (۱): سنجش متغیرها و معرف‌ها

اندازه‌گیری معرف‌ها	سازه‌ها (منبع)
از طریق شاخص شاخص هرفیندال (HI) محاسبه می‌شود. شاخص هرفیندال (HI) به عنوان مجموع مربعات سهم بازار شرکت در درون یک صنعت محاسبه می‌شود.	رقابت تجاری (BC)
$HI = \sum_{j=1}^j s_{ij}^2$	گوفار و اسلام (۲۰۱۳)

اندازه‌گیری معرف‌ها	سازه‌ها (منبع)
<p>که در آن، S_{ij} سهم بازار شرکت j در صنعت i است. سهم بازار با استفاده از نسبت خالص فروش شرکت بر خالص فروش کل صنعت محاسبه می‌گردد. هر چقدر شاخص HI بالاتر باشد بیانگر تمرکز بالاتر صنعت و در نتیجه رقابت کمتر است. برای سنجش رقابت تجاری از یک متغیر موهومی استفاده می‌شود. صنعتی که HI آنها بالاتر از متوسط HI کل صنایع نمونه است، به عنوان صنایع کمتر رقابتی طبقه بندی و برای آن نمره ۱، و صنایعی که دارای HI پائین تر از میانگین HI کل صنایع نمونه دارند به عنوان صنایع رقابتی طبقه بندی و برای آن نمره صفر در نظر گرفته می‌شود.</p>	
<p>در این تحقیق از مفهوم استراتژی مورد نظر مایلز و اسنو (۱۹۷۸؛ ۲۰۰۳) استفاده می‌شود. در این راستا، برای تمایز بین شرکت‌های دارای استراتژی تهاجمی و تدافعی از ۵ شاخص زیر استفاده می‌شود. مقدار این شاخص‌ها در شرکت‌های دارای استراتژی تهاجمی نسبت به تدافعی بالاتر است:</p> <p>۱. نسبت دارایی‌های ثابت به کل فروش (PES) که کارایی دارایی‌ها را اندازه‌گیری می‌کند. ۲. گردش کارکنان (ETO): از طریق انحراف استاندارد تعداد کل کارکنان محاسبه می‌شود و بیانگر ثبات سازمانی شرکت است. ۳. نسبت کارکنان به فروش (ES) که توانایی شرکت برای تولید و توزیع محصولات و خدمات به صورت کارا را نشان می‌دهد. ۴. نسبت دارایی‌های نامشهود به کل دارایی‌ها (IA) که توانایی شرکت برای ایجاد نوآوری را نشان می‌دهد. ۵. رشد فروش (GW) که معیاری از رشد شرکت است.</p>	<p>استراتژی تجاری (BS) - گوفار و اسلام (۲۰۱۳)</p>
<p>۱. اندازه هیئت مدیره (BS) برابر با تعداد اعضاء هیئت مدیره. ۲. استقلال هیئت مدیره (BIN): برابر با نسبت تعداد مدیران غیرموظف به کل اعضاء. ۳. دوگانگی وظیفه مدیر عامل (Dual): اگر مدیرعامل رئیس هیئت مدیره باشد ۱ و در غیر این صورت صفر خواهد بود. ۴. درصد مالکیت هیئت مدیره (BOW): برابر با مجموع سهام در تملک اعضاء هیئت مدیره به کل سهام شرکت. ۵. فعالیت هیئت مدیره (BAC): برابر با تعداد جلسات در سال. ۶. تخصص هیئت مدیره (BEX): برابر با نسبت تعداد اعضاء هیئت مدیره دارای زمینه مالی و حسابداری به تعداد کل اعضاء.</p>	<p>ساختار هیئت مدیره (Board) - عظیم (۲۰۱۲)</p>
<p>۱. جمع دارایی (TA): لگاریتم جمع دارایی‌های پایان دوره ۲. جمع فروش (SA): لگاریتم کل فروش دوره.</p>	<p>اندازه شرکت (Siz) - گاریاتورا و</p>

اندازه گیری معرفها	سازه‌ها (منبع)
	همکاران (۲۰۱۶)
<p>۱. کیفیت اقلام تعهدی (AQ): برای سنجش مدیریت سود از قدر مطلق اقلام تعهدی اختیاری طبق مدل جونز (۱۹۹۱) استفاده می‌شود. بنابراین، ابتدا پارامترهای مدل زیر با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی تخمین زده می‌شود:</p> $TA_{it}/A_{i,t-1} = \alpha_1(1/A_{i,t-1}) + \alpha_2(\Delta REV_{it}/A_{i,t-1}) + \alpha_3(PPE_{it}/A_{i,t-1}) + \varepsilon_{it}$ <p>سیس پارامترهای برآوردی $\hat{\alpha}_1$، $\hat{\alpha}_2$ و $\hat{\alpha}_3$ برای محاسبه اقلام تعهدی اختیاری برآوردی مورد استفاده قرار می‌گیرد و مابه تفاوت آن با اقلام تعهدی واقعی (طبق مدل زیر) به عنوان اقلام تعهدی اختیاری در نظر گرفته می‌شود:</p> $DAG_{it} = TA_{it}/A_{i,t-1} - \{\hat{\alpha}_1(1/A_{i,t-1}) + \hat{\alpha}_2(\Delta REV_{it}/A_{i,t-1}) + \hat{\alpha}_3(PPE_{it}/A_{i,t-1}) + \varepsilon_{it}$ <p>TA_{it} = کل اقلام تعهدی شرکت که از تفاوت بین سود خالص قبل از اقلام غیر مترقبه و جریان‌های نقدی حاصل از عملیات محاسبه می‌شود، A_{it-1}: ارزش دفتری کل دارایی‌های شرکت t در پایان سال $t-1$؛ ΔREV_{it}: تغییر در درآمد فروش شرکت t بین سال $t-1$ و t؛ PPE_{it}: اموال، ماشین‌آلات و تجهیزات ناخالص شرکت t در سال t.</p> <p>۲. قابلیت پیش‌بینی سود (PRE). مطابق دیچو و تانگ (۲۰۰۹) از مدل اتو رگرسیون مرتبه اول سود عملیاتی استفاده می‌شود. ریشه دوم انحراف معیار خطای مدل، مقدار پیش‌بینی‌پذیری سود را نشان می‌دهد.</p> $E_{jt} = \alpha_0 + \alpha_1 E_{jt-1} + \varepsilon_{jt}$ <p>E بیانگر سود عملیاتی است که با جمع دارایی ابتدای دوره استاندارد شده است. این مدل با استفاده از سری زمانی داده‌های یک دوره ۴ ساله برای هر شرکت -سال برآورد می‌شود.</p> <p>۳. هموار بودن سود (SMO). مطابق مک‌اینتر (۲۰۱۰) از نسبت تغییرپذیری (انحراف معیار) سود به تغییرپذیری جریان‌های نقدی با استفاده از سری‌های زمانی ۴ ساله استفاده شده است.</p> <p>۴. مربوط بودن سود (REL). مشابه بوشمن و همکاران (۲۰۰۳) از رگرسیون بازده به سطح و تغییرات سود مطابق مدل زیر استفاده می‌شود.</p> $R_{jt} = \alpha_0 + \alpha_1 E_{jt} + \alpha_2 \Delta E_{jt} + \varepsilon_{jt}$ <p>R نرخ بازده سهام که برابر با نسبت کل عایدی سرمایه‌گذار در یک دوره معین نسبت به سرمایه‌گذاری است که از نرم‌افزار رهاورد نوین استخراج شده است. E و ΔE به ترتیب برابر با سود عملیاتی و تغییر سود عملیاتی دوره جاری نسبت به دوره قبل است که هر دو با استفاده از ارزش بازار شرکت استاندارد سازی شده‌اند. معیار مربوط بودن سود برابر با ضریب تعیین تعدیل شده مدل فوق است.</p>	<p>کیفیت سود (EQ) - فرج‌زاده دهکردی (۱۳۹۰)</p>

یافته‌های پژوهش

ابتدا قبل از اجرای مدل و آزمون فرضیه‌ها، برازش مدل بررسی می‌گردد تا از صحت و دقت یافته‌ها اطمینان حاصل گردد. برای آزمون مدل مفهومی تحقیق از الگوریتم تحلیل مدل‌ها با استفاده از روش اسمارت پی ال اس استفاده شده است. این آزمون شامل برازش مدل اندازه‌گیری، مدل ساختاری و برازش کلی مدل است. ابتدا به ارزیابی مدل‌های اندازه‌گیری با استفاده از معیارهای پایایی و روایی و در ادامه روابط موجود در بخش ساختاری و در پایان نیز برازش کلی مدل بررسی شده است.

ارزیابی مدل اندازه‌گیری

هدف از برازش مدل‌های اندازه‌گیری این است که تا چه حد معرف‌های مورد استفاده برای سنجش سازه‌های پنهان با ساختار علی و زیربنای نظری مطابقت دارد. این کار با استفاده از معیارهای پایایی و روایی بررسی می‌گردد. مطابق فورنل و لارکز (۱۹۸۱) برای بررسی پایایی از دو شاخص استفاده می‌شود. شاخص اول، بررسی پایایی هر یک از معرف‌های متناظر با سازه پنهان با استفاده از ضریب بارهای عاملی معرف‌های آنهاست. مقدار ملاک برای مناسب بودن بارهای عاملی عدد $0/4$ است و معرف‌هایی که مقدار بار عاملی آنها کمتر از $0/4$ است به شرط اینکه با حذف آنها پایایی مرکب مدل اندازه‌گیری افزایش یابد، حذف می‌گردند. شاخص دوم، پایایی مرکب ضریب دیلون-گلدشتاین است که سازگاری درونی بین معرف‌های یک سازه را نشان می‌دهد. مقدار ملاک برای این شاخص مقدار $0/7$ به بالاست. نتایج مربوط به بررسی پایایی سازه‌های پنهان مدل تحقیق در نگاره (۲) ارائه شده است. با توجه به مقادیر بار عاملی معرف‌های متناظر با سازه‌های تحقیق در ستون سوم، بجز معرف دوگانگی وظیفه مدیر عامل (Dual) در ارتباط با سازه ساختار هیئت مدیره (Board)، و معرف گردش کارکنان (ETO) در ارتباط با سازه استراتژی تجاری (BST)؛ مابقی معرف‌ها دارای بار عاملی بیشتر از مقدار ملاک $0/4$ هستند. پس از حذف این دو معرف، مقدار ضریب پایایی ترکیبی سازه‌های پنهان محاسبه گردید که مطابق نگاره (۲) مقدار این ضریب برای تمام سازه‌های تحقیق بالاتر از مقدار ملاک $0/7$ است.

تکانه (۲): نتایج پرازش مدل اندازه‌گیری

میانگین واریانس استخراجی (AVE)	ضریب پایایی مرکب (CR)	بار عاملی	معرف‌ها	سازه
۰/۵۱۷	۰/۸۰۱	۰/۷۶۲	BS	Board
		۰/۸۴۱	BIN	
		۰/۲۸۵	Dual	
		۰/۶۳۹	BOW	
		۰/۵۱۸	BAC	
		۰/۷۴۵	BEX	
۰/۶۱۸	۰/۸۳۴	۰/۸۲۲	PES	BST
		۰/۲۱۷	ETO	
		۰/۸۴۳	ES	
		۰/۶۹۵	IA	
		۰/۷۹۲	GW	
۰/۵۳۹	۰/۸۱۶	۰/۸۰۶	AQ	EQ
		۰/۷۵۵	PRE	
		۰/۶۹۹	SMO	
		۰/۶۷۱	REL	
۰/۶۶۷	۰/۷۹۷	۰/۹۱۰	TA	SIZE
		۰/۷۱۲	SAL	
۱/۰۰۰	۱/۰۰۰	۱/۰۰	HI	BC

برای بررسی روایی، از دو معیار روایی همگرا و روایی واگرا استفاده شده است. روایی همگرا با استفاده از شاخص میانگین واریانس استخراج شده بررسی می‌شود. این شاخص، میانگین واریانس به اشتراک گذاشته شده بین هر سازه با معرف‌های آن را نشان می‌دهد. فرنل و لارکز (۱۹۸۱) مقدار میانگین واریانس استخراج شده برابر با ۰/۵ و بیشتر را پیشنهاد می‌کنند. در نگاره (۲)، مقدار این شاخص برای هر ۴ سازه پنهان تحقیق پس از حذف معرف‌هایی که بار عاملی کمتر از ۰/۴ دارند ارائه شده است. مقادیر میانگین واریانس استخراج شده هر ۴ سازه بیشتر از مقدار ملاک (۰/۵) است؛ در نتیجه سازه‌ها دارای روایی همگرای قابل قبول هستند.

برای بررسی روایی واگرا طبق روش فورنل لارکر (۱۹۸۱) رابطه هر سازه با معرف‌هایش با رابطه آن سازه با سایر سازه‌ها مقایسه می‌شود. بدین منظور از ماتریس نشان داده شده در نگاره (۳) استفاده شده است که در خانه‌های آن، مقادیر ضریب همبستگی بین سازه‌ها و در قطر اصلی نیز جذر مقادیر میانگین واریانس استخراجی مربوط به هر سازه ارائه شده است. از آنجا که مقدار جذر میانگین واریانس استخراجی مربوط به هر سازه، از مقدار همبستگی بین سازه‌ها که در خانه‌های زیرین و راست قطر اصلی قرار دارند، بیشتر است؛ از این رو، سازه‌های مدل تعامل بیشتری با شاخص‌های خود دارند تا با سازه‌های دیگر و در نتیجه روایی واگرای مدل تأیید می‌گردد.

نگاره (۳): ماتریس سنجش روایی واگرا با روش فورنل و لارکر

BC	SIZE	EQ	BST	Board	سازه‌ها
				۰/۷۱۹	هیئت مدیره (Board)
			۰/۷۸۶	۰/۴۷۱	استراتژی تجاری (BST)
		۰/۷۳۴	-۰/۳۲۹	۰/۲۱۵	کیفیت سود (EQ)
	۰/۸۱۶	-۰/۴۱۹	-۰/۱۹۴	۰/۶۳۹	اندازه شرکت (SIZE)
۱/۰۰۰	۰/۳۱۶	-۰/۵۴۷	۰/۲۰۵	۰/۴۰۷	رقابت تجاری (BC)

برازش مدل ساختاری و آزمون فرضیه‌ها

پس از برازش مدل اندازه‌گیری و اطمینان از مناسب بودن معرف‌ها برای سازه‌های پنهان، جهت بررسی رابطه بین سازه‌های مدل و آزمون فرضیه‌های تحقیق به نتایج مربوط به بخش ساختاری مدل شامل ضریب مسیر و ضریب معناداری آماره تی که با استفاده از فرمان خودگردان‌سازی و الگوریتم اسمارت پی ال اس حاصل می‌گردد، مراجعه می‌شود. مطابق نتایج ارائه شده در نگاره (۳)، مقدار آماره تی مربوط به مسیر (ساختار هیئت مدیره به کیفیت سود) برابر با ۴۱/۳۱۷ بیشتر از مقدار ۱/۹۶ است، بنابراین، تأثیر ساختار هیئت مدیره بر کیفیت سود و در نتیجه فرضیه اول تحقیق تأیید می‌گردد. در خصوص فرضیه‌های دوم تا چهارم که مربوط به تأثیر ویژگی‌های اقتضایی (رقابت تجاری، استراتژی تجاری و اندازه شرکت) بر ساختار هیئت مدیره است، مقدار آماره تی مسیرهای مربوطه به ترتیب ۱۰/۴۳۷، ۱۶/۰۱۹ و ۲۱/۳۱۴ است، بنابراین، این سه فرضیه تأیید می‌گردند و با توجه به علامت ضرایب مسیرها، هر سه متغیر اقتضایی بر ساختار هیئت مدیره تأثیر مثبتی دارند. همچنین، با توجه به نتایج نگاره

(۳)، در خصوص فرضیه‌های پنجم تا هفتم که مربوط به تأثیر ویژگی‌های اقتصادی (رقابت تجاری، استراتژی تجاری و اندازه شرکت) بر کیفیت سود است، مقدار آماره تی مسیره‌های مربوطه به ترتیب ۹/۵۲۰، ۱۶/۱۱۲ و ۱۴/۰۷۶ است، بنابراین، این سه فرضیه نیز تأیید می‌گردند. از سوی دیگر، علامت ضرایب مسیره‌ها حاکی از آن است که رقابت تجاری و اندازه شرکت بر کیفیت سود تأثیر منفی و استراتژی تجاری تأثیر مثبت دارد. مقدار ضریب تعیین تعدیل شده مربوط به دو متغیر درونزای مدل؛ یعنی ساختار هیئت مدیره و کیفیت سود نیز به ترتیب ۰/۴۵۸ و ۰/۵۵۱ است که حاکی از برازش قوی مدل ساختار و توان پیش‌بینی کنندگی متغیرهای درونزای مدل دارد. همچنین، برای بررسی برازش مدل کلی، از معیار نیکویی برازش استفاده شده است که مقدار آن برابر با ۰/۳۳۸ است که نشان دهنده مناسب بودن برازش کلی مدل است.

نگاره (۴): ضرایب مسیر و آماره تی

مسیر	ضریب مسیر	T-value	R ² تعدیل شده
رقابت تجاری ← ساختار هیئت مدیره	۰/۳۸۱۵	۱۰/۴۳۷	۰/۴۵۸
استراتژی تجاری ← ساختار هیئت مدیره	۰/۵۴۹۱	۱۶/۰۱۹	
اندازه شرکت ← ساختار هیئت مدیره	۰/۰۸۹۴	۲۱/۳۱۴	
رقابت تجاری ← کیفیت سود	-۰/۴۹۶۳	۹/۵۲۰	۰/۵۵۱
استراتژی تجاری ← کیفیت سود	۰/۱۹۶۵	۱۶/۱۱۲	
اندازه شرکت ← کیفیت سود	-۰/۳۰۱۹	۱۴/۰۷۶	
ساختار هیئت مدیره ← کیفیت سود	۰/۴۲۱۸	۴۱/۳۱۷	
نیکویی برازش مدل (GoF)		۰/۳۳۸۵	

در خصوص فرضیه‌های هشتم تا دهم، که به موضوع نقش میانجی ساختار هیئت مدیره در رابطه بین فاکتورهای اقتصادی (استراتژی، رقابت و اندازه شرکت) و کیفیت سود می‌پردازند، برای آزمون معناداری وجود اثرات میانجی از خروجی نرم‌افزار اسپال اس که مبتنی بر منطق آزمون سوپل است، استفاده می‌شود. همچنین، برای بررسی شدت اثر میانجی از آماره VAF (نسبت اثر غیرمستقیم به اثر کل) استفاده می‌شود. این نتایج در نگاره (۵)، ارائه شده است.

نگاره (۵): اثرات مستقیم و غیرمستقیم

آماره VAF	آزمون سوبل (Z-Value)	میزان اثر		مسیر
		مستقیم	غیرمستقیم	
-۰/۴۷۹	۶/۲۱۸	۰/۱۶۰۹	-۰/۴۹۶۳	رقابت تجاری ← ساختار هیئت مدیره ← کیفیت سود
۰/۵۴	۴/۷۱۲	۰/۲۳۱۶	۰/۱۹۶۵	استراتژی تجاری ← ساختار هیئت مدیره ← کیفیت سود
-۰/۱۴۲	۳/۲۲۵	۰/۰۳۷۷	-۳/۰۱۹	اندازه شرکت ← ساختار هیئت مدیره ← کیفیت سود

مطابق نتایج نگاره (۵)، در خصوص مسیر اول که ساختار هیئت مدیره در بین دو متغیر رقابت تجاری و کیفیت سود دارای نقش میانجی است، مقدار آماره Z آزمون سوبل برابر با ۶/۲۱۸ است که از مقدار ۱/۹۶ بیشتر است بنابراین، نقش میانجی ساختار هیئت مدیره در رابطه بین رقابت تجاری و کیفیت سود و در نتیجه فرضیه هشتم تحقیق تأیید می‌گردد. همچنین، مقدار آماره VAF برابر با ۰/۴۷۹- است که نشان می‌دهد حدود ۴۸ درصد از اثر رقابت تجاری بر کیفیت سود از طریق غیرمستقیم توسط متغیر میانجی ساختار هیئت مدیره تبیین می‌شود. بر همین اساس، و با توجه به نتایج دو مسیر دیگر در نگاره (۵)، فرضیه‌های نهم و دهم نیز تأیید می‌گردند.

نتیجه گیری

هدف تحقیق حاضر ارائه مدل اقتضایی تأثیر ساختار هیئت مدیره بر کیفیت سود است. مطابق ادبیات تئوری اقتضایی، ساختار هیئت مدیره متأثر از فاکتورهای اقتضایی است و سازگاری بین این فاکتورها و ساختار هیئت مدیره بر پیامدهای سازمانی تأثیر دارد. نتایج برازش مدل ساختاری و آزمون فرضیه‌ها نشان داد که ساختار هیئت مدیره بر کیفیت سود تأثیر معنادار و مثبتی دارد. این نتیجه از یافته‌های بسیاری از مطالعات قبلی (نظیر کلین، ۲۰۰۲؛ افندی و همکاران، ۲۰۰۷؛ آقایی و چالاکلی، ۱۳۸۸؛ ایزدی نیا و رسائیان، ۱۳۹۰) حمایت می‌کند. در خصوص تأثیر مثبت رقابت تجاری بر ساختار هیئت مدیره، می‌توان چنین استدلال کرد که شرکت‌هایی که در محیط‌های کمتر (بیشتر) رقابتی فعالیت می‌کنند تمایل دارند از ساختار هیئت مدیره قوی‌تری (ضعیف‌تر) برخوردار باشند. این یافته‌ها با نتایج تحقیق تیان و تویت (۲۰۰۹)، گیروود و مولر (۲۰۱۰)، چو و همکاران (۲۰۱۱) و گوفا و اسلام (۲۰۱۳)، که نشان دادند که رقابت تجاری جایگزینی برای حاکمیت شرکتی است، همخوانی دارد. دلیل این

موضوع آن است که در صنایع رقابتی، شرکت‌ها ممکن است تمایلی به ایجاد ابزارهای کنترلی و نظارتی شدیدتر نداشته باشند؛ چرا که رقابت بازار خود ایزاری است که شرکت‌ها را تحریک می‌کند مسائل نمایندگی را کاهش دهند. تأثیر مثبت استراتژی تجاری بر ساختار هیئت مدیره بدان مفهوم است که شرکت‌های دارای استراتژی تهاجمی تمایل دارند از ساختار هیئت مدیره نسبتاً قوی‌تری برخوردار باشند. این یافته با مبانی تئوری اقتضایی که بیان می‌کند شرکت‌ها از ابزارهای کنترلی برای حمایت از اجرای استراتژی استفاده می‌کنند و همچنین، یافته‌های ویو (۲۰۰۸) و بیکر-بلیس (۲۰۱۱) که نشان دادند حاکمیت شرکتی با نوآوری رابطه مثبتی دارد، مطابقت دارد. تأثیر مثبت اندازه شرکت با نتایج چنگ (۲۰۰۸) و لهن و همکاران (۲۰۰۹) مطابقت دارد. آنان نشان دادند اندازه شرکت بر اندازه و ترکیب هیئت مدیره تأثیر مثبت دارد.

در خصوص تأثیر فاکتورهای اقتضایی بر کیفیت سود، رقابت شرکت بر کیفیت سود تأثیر منفی دارد. بدین معنی که شرکت‌های فعال در صنایع کمتر رقابتی کیفیت سود ضعیف‌تری دارند. این یافته با نتایج چنگ و همکاران (۲۰۱۳) همخوانی دارد. آنان چنین استدلال کردند که شرکت‌ها در صنایع متمرکز (کمتر رقابتی) از طریق ایجاد محیط اطلاعاتی غیر شفاف از توجه رقبای سیاستمداران دوری می‌کنند. بنابراین، رقابت ضمن کمک به بهبود کیفیت سود، مبنی بر این دیدگاه است که انگیزه‌های مدیر برای افزایش اطلاعات با کیفیت متاثر از محیط رقابتی است. تأثیر مثبت استراتژی تجاری حاکی از آن است که شرکت‌های دارای استراتژی تهاجمی دارای کیفیت سود بالاتری هستند. این نتیجه با یافته‌های بنتلی و همکاران (۲۰۱۲) در تضاد و با نتایج نورالحق و همکاران (۲۰۱۳) همخوانی دارد. تأثیر منفی اندازه شرکت بر کیفیت سود با یافته‌های تحقیق دچو و دیچو (۲۰۰۲)، فرانسیس و همکاران (۲۰۰۸) و دیکولی و همکاران (۲۰۱۲) در تضاد است. همچنین، نتایج حاکی از آن است که ساختار هیئت مدیره در رابطه بین فاکتورهای اقتضایی و کیفیت سود دارای نقش میانجی است و سازگاری بین این فاکتورها و ساختار هیئت مدیره بر کیفیت سود تأثیر دارد. این یافته‌ها با نتایج دیویس (۱۹۹۱)؛ کورن فورث (۲۰۰۳) و جوکویی (۲۰۰۶) مطابقت دارد. به عنوان نمونه، در خصوص استراتژی تجاری با استناد به یافته‌های تحقیق، شرکت‌های دارای استراتژی تهاجمی از ساختار هیئت مدیره قوی‌تری برخوردارند. همین موضوع باعث بهبود نظارت توسط هیئت مدیره و در نتیجه

بهبود کیفیت سود می‌گردد. بنابراین، سازگاری ساختار هیئت مدیره با استراتژی تجاری منجر به بهبود کیفیت سود می‌گردد.

در مجموع، با عنایت به نتایج برازش مدل ساختاری و مدل کلی تحقیق مبنی بر معنادار بودن کلیه مسیرهای ترسیم شده از جمله اثرات مستقیم و غیر مستقیم می‌توان نتیجه گرفت که مدل مفهومی ارائه شده در این تحقیق که مبتنی بر بنیان‌های نظری و تجربی تئوری نمایندگی و تئوری اقتضایی است به خوبی می‌تواند تأثیر ساختار هیئت مدیره بر کیفیت سود را با در نظر گرفتن فاکتورهای اقتضایی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تهران تبیین کند. از این رو، به سرمایه‌گذاران و تحلیلگران پیشنهاد می‌شود در ارزیابی شرکت‌ها نه فقط به عوامل مالی توجه داشته باشند، بلکه به طور همزمان عوامل تعیین‌کننده و پیامدهای حاکمیت شرکتی را مورد توجه قرار دهند. به مدیران توصیه می‌شود در تدوین ساختار هیئت مدیره، فاکتورهای اقتضایی را مورد توجه قرار دهند. در این راستا، لازم است مدیران از سازگاری ساختار هیئت مدیره با استراتژی‌های مورد استفاده شرکت، محیط فعالیت شرکت به ویژه از نظر میزان رقابت محیطی اطمینان حاصل کنند؛ چرا که یافته‌های این تحقیق نشان داد سازگاری هیئت مدیره با این عوامل منجر به بهبود کیفیت سود می‌گردد. همچنین، با عنایت به اینکه استفاده از تئوری اقتضایی در تحقیقات انجام شده در حوزه حسابداری در محیط ایران مورد توجه قرار نگرفته است (بجز چند تحقیق اندک در حوزه حسابداری مدیریت)، به محققین پیشنهاد می‌گردد در تحقیقات آتی از این تئوری استفاده کنند. همچنین، پیشنهاد می‌گردد در تحقیقات آتی حوزه حاکمیت شرکتی، سایر فاکتورهای اقتضایی نظیر ساختار سازمانی، فرهنگ سازمانی و... مورد مطالعه قرار گیرد.

منابع

- آقایی، محمدعلی؛ چالاکی، پری. (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین ویژگی‌های حاکمیت شرکتی و مدیریت سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه تحقیقات حسابداری و حسابرسی: ۱ (۴)؛ ۷۷-۵۴.
- ایزدی نیا، ناصر؛ رسائیان، امیر. (۱۳۹۰). سازوکار حاکمیت شرکتی و کیفیت سود. دانش حسابداری مالی: ۱ (۱)؛ ۶۷-۵۲.

- بشلیده، کیومرث. (۱۳۹۶). روش‌های پژوهش و تحلیل آماری مثال‌های پژوهشی با SPSS و AMOS، اهواز: دانشگاه شهید چمران اهواز.
- تنانی، محسن؛ محب خواه، محمد. (۱۳۹۳). بررسی رابطه بین استراتژی کسب و کار با کیفیت سود و بازده سهام در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پژوهش‌های تجربی حسابداری: ۴(۱)؛ ۱۲۷-۱۰۵.
- ستایش، محمدحسین؛ ابراهیمی، فهیمه. (۱۳۹۱). تأثیر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر محتوای اطلاعاتی سود در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار. دانش حسابداری: ۸؛ ۴۸-۳۱.
- فرج‌زاده دهکردی، حسن. (۱۳۹۰). ارائه مدلی برای تأثیرگذاری مدیریت سود بر ویژگی‌های سود. رساله دکتری، دانشگاه تربیت مدرس.
- قدرتی، حسن؛ فیضی، سعید. (۱۳۹۴). تأثیر حاکمیت شرکتی بر میزان مدیریت سود در بازار بورس اوراق بهادار تهران. دانش حسابداری: ۱۴(۵۸)؛ ۲۳۲-۲۰۵.
- Abbott, L. J. , Parker, S. , & Peters, G. F. (2004). Audit committee characteristics and restatements. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, 23 (1) , 69-87.
- Adams, R. B. , & Ferreira, D. (2007). A theory of friendly boards. *The journal of finance*, 62 (1) , 217-250.
- Aghaei, M. A. , & Chalaki, P. (2008). The Relation Between Corporate Governance Attributes and Earnings Management of the Firms Listed in Tehran Stock Exchange. *Accounting and Auditing Research*, 1 (4) , 54-77. (In Persian).
- Aguilera, R. V. , Filatotchev, I. , Gospel, H. , & Jackson, G. (2008). An organizational approach to comparative corporate governance: Costs, contingencies, and complementarities. *Organization science*, 19 (3) , 475-492.
- Armstrong, C. S. , Guay, W. R. , & Weber, J. P. (2010). The role of information and financial reporting in corporate governance and debt contracting. *Journal of accounting and economics*, 50 (2-3) , 179-234.
- Azim, M. I. (2012). Corporate governance mechanisms and their impact on company performance: A structural equation model analysis. *Australian journal of management*, 37 (3) , 481-505.
- Balsam, S. , Krishnan, J. , & Yang, J. S. (2003). Auditor industry specialization and earnings quality. *Auditing: A journal of practice & Theory*, 22 (2) , 71-97.
- Bashleideh, K. (2017). *Research Methods and Statistical Analysis: Example of research with SPSS & AMOS*. Shahid Chamran University of Ahvaz. (In Persian).
- Becker-Blease, J. R. (2011). Governance and innovation. *Journal of Corporate Finance*, 17 (4) , 947-958.

- Bentley, K. A. , Omer, T. C. , & Sharp, N. Y. (2013). Business strategy, financial reporting irregularities, and audit effort. *Contemporary Accounting Research*, 30 (2) , 780-817.
- Berle, A. A. , & Means, G. G. C. (1991). *The modern corporation and private property*. Transaction publishers.
- Berson, Y. , Shamir, B. , Avolio, B. J. , & Popper, M. (2001). The relationship between vision strength, leadership style, and context. *The Leadership Quarterly*, 12 (1) , 53-73.
- Boone, A. L. , Field, L. C. , Karpoff, J. M. , & Raheja, C. G. (2007). The determinants of corporate board size and composition: An empirical analysis. *Journal of financial Economics*, 85 (1) , 66-101.
- Boyd, B. K. (1995). CEO duality and firm performance: A contingency model. *Strategic management journal*, 16 (4) , 301-312.
- Bradshaw, P. (2009). A contingency approach to nonprofit governance. *Nonprofit management and leadership*, 20 (1) , 61-81.
- Chapman, C. S. (1997). Reflections on a contingent view of accounting. *Accounting, organizations and society*, 22 (2) , 189-205.
- Cheng, S. (2008). Board size and the variability of corporate performance. *Journal of financial economics*, 87 (1) , 157-176.
- Chenhall, R. H. (2003). Management control systems design within its organizational context: findings from contingency-based research and directions for the future. *Accounting, organizations and society*, 28 (2-3) , 127-168.
- Chou, J. , Ng, L. , Sibilkov, V. , & Wang, Q. (2011). Product market competition and corporate governance. *Review of Development Finance*, 1 (2) , 114-130.
- Cohen, J. R. , Krishnamoorthy, G. , & Wright, A. (2004). The corporate governance mosaic and financial reporting quality. *Journal of accounting literature*, 23 (1) 87-152.
- Coles, J. L. , Daniel, N. D. , & Naveen, L. (2008). Boards: Does one size fit all? *Journal of financial economics*, 87 (2) , 329-356.
- Cornett, M. M. , Marcus, A. J. , & Tehranian, H. (2008). Corporate governance and pay-for-performance: The impact of earnings management. *Journal of financial economics*, 87 (2) , 357-373.
- Cornforth, C. (2003). *The governance of public and non-profit organizations*. Routledge.
- Dalton, D. R. , Daily, C. M. , Johnson, J. L. , & Ellstrand, A. E. (1999). Number of directors and financial performance: A meta-analysis. *Academy of Management journal*, 42 (6) , 674-686.
- Davidson, R. , Goodwin-Stewart, J. , & Kent, P. (2005). Internal governance structures and earnings management. *Accounting & Finance*, 45 (2) , 241-267.

- Davis, J. H. (1991). Board leadership roles and shareholder returns: An examination of agency theory (Doctoral dissertation, University of Iowa).
- Dechow, P. , Ge, W. , & Schrand, C. (2010). Understanding earnings quality: A review of the proxies, their determinants and their consequences. *Journal of accounting and economics*, 50 (2-3) , 344-401.
- Dikolli, S. S. , Mayew, W. J. , & Steffen, T. D. (2012). Honoring one's word: CEO integrity and accruals quality. Available at URL: <http://ssrn.com>.
- Donaldson, L. (2001). *The contingency theory of organizations*. Sage.
- Drazin, R. , & Van de Ven, A. H. (1985). Alternative forms of fit in contingency theory. *Administrative science quarterly*, 30 (4) , 514-539.
- Ebrahim, A. (2007). Earnings management and board activity: an additional evidence. *Review of Accounting and Finance*, 6 (1) , 42-58.
- Efendi, J. , Srivastava, A. , & Swanson, E. P. (2007). Why do corporate managers misstate financial statements? The role of option compensation and other factors. *Journal of financial economics*, 85 (3) , 667-708.
- Farajzadeh Dehkordi, H. (2012). *A Model for the Impact of Earnings Management on Earnings Attributes*, PHD Dissertation, Tarbiat Modares University. (in Persian).
- Filatovchev, I. , & Toms, S. (2003). Corporate governance, strategy and survival in a declining industry: A study of UK cotton textile companies. *Journal of Management Studies*, 40 (4) , 895-920.
- Fiss, P. C. , & Zajac, E. J. (2004). The diffusion of ideas over contested terrain: The (non) adoption of a shareholder value orientation among German firms. *Administrative science quarterly*, 49 (4) , 501-534.
- Fornell, C. , & Larcker, D. F. (1981). Evaluating structural equation models with unobservable variables and measurement error. *Journal of marketing research*, 18 (1) , 39-50.
- Francis, J. , Huang, A. H. , Rajgopal, S. , & Zang, A. Y. (2008). CEO reputation and earnings quality. *Contemporary Accounting Research*, 25 (1) , 109-147.
- Gani, L. , & Jermias, J. (2006). Investigating the effect of board independence on performance across different strategies. *The International Journal of Accounting*, 41 (3) , 295-314.
- Garcia-Torea, N. , Fernandez-Feijoo, B. , & de la Cuesta, M. (2016). Board of director's effectiveness and the stakeholder perspective of corporate governance: Do effective boards promote the interests of shareholders and stakeholders? *BRQ Business Research Quarterly*, 19 (4) , 246-260.

- Gerdin, J. , & Greve, J. (2004). Forms of contingency fit in management accounting research—a critical review. *Accounting, organizations and society*, 29 (3-4) , 303-326.
- Ghodrati, H. , & Faizi, S. (2015). The Effects of Corporate Governance on the extent of the Earnings Management of the Firms Listed in Tehran Stock Exchange. *Journal of Audit Science*, 14 (58) , 205-232. (In Persian).
- Ghofar, A. , & Sardar, S. M. N. (2013). Analysis of the determinants and effectiveness of corporate governance: A contingency theory approach. In A conference paper: Asian conference on corporate governance and sustainability, Thailand.
- Giroud, X. , & Mueller, H. M. (2010). Does corporate governance matter in competitive industries? *Journal of financial economics*, 95 (3) , 312-331.
- Guest, P. M. (2008). The determinants of board size and composition: Evidence from the UK. *Journal of Corporate Finance*, 14 (1) , 51-72.
- Heracleous, L. (2001). What is the impact of corporate governance on organizational performance? *Corporate governance: an international review*, 9 (3) , 165-173.
- Hermalin, B. E. , & Weisbach, M. S. (2003). Boards of directors as an endogenously determined institution: a survey of the economic literature. *Economic Policy Review*, 9, 7-26.
- Izadinia, N. , & Rasaiian, A. (2011). Corporate Governance practice and Earnings quality. *Journal of Financial Accounting Knowledge*, 1 (1) , 52-67. (In Persian).
- Jokipii, A. (2006). The structure and effectiveness of internal control: A contingency approach. *Vaasan yliopisto*.
- Jokipii, A. (2011). Determinants and consequences of corporate governance in firms: the moderating role of contingency factor, *Journal of Management and Governance*, 14 (2) , 115–144.
- Kao, L. , & Chen, A. (2004). The effects of board characteristics on earnings management. *Corporate Ownership & Control*, 1 (3) , 96-107.
- Kiel, G. C. , & Nicholson, G. J. (2003). Board composition and corporate performance: How the Australian experience informs contrasting theories of corporate governance. *Corporate governance: an international review*, 11 (3) , 189-205.
- Klein, A. (2002). Audit committee, board of director characteristics, and earnings management. *Journal of accounting and economics*, 33 (3) , 375-400.
- Lehn, K. M. , Patro, S. , & Zhao, M. (2009). Determinants of the size and composition of US corporate boards: 1935-2000. *Financial management*, 38 (4) , 747-780.

- Lim, R. (2011). Are corporate governance attributes associated with accounting conservatism? *Accounting & Finance*, 51 (4) , 1007-1030.
- Linck, J. S. , Netter, J. M. , & Yang, T. (2008). The determinants of board structure. *Journal of financial economics*, 87 (2) , 308-328.
- Mintzberg, H. (1973). Strategy-making in three modes. *California management review*, 16 (2) , 44-53.
- El Mir, A. , & Seboui, S. (2006). Corporate governance and earnings management and the relationship between economic value added and created shareholder value. *Journal of Asset Management*, 7 (3-4) , 242-254.
- Oba, B. , Tigrel, E. , & Sener, P. (2014). Board structure in listed firms: evidence from an emerging economy. *Corporate Governance*, 14 (3) , 382-394.
- Otley, D. T. (1980). The contingency theory of management accounting: achievement and prognosis. *Accounting, Organizations and Society*, 5 (4) , 413-428.
- Paglis, L. L. , & Green, S. G. (2002). Leadership self-efficacy and managers' motivation for leading change. *Journal of Organizational Behavior*, 23 (2) , 215-235.
- Prasad, B. , & Junni, P. (2017). A contingency model of CEO characteristics and firm innovativeness. *Management Decision*, 55 (1) , 156-177
- Randøy, T. , & Jenssen, J. I. (2004). Board independence and product market competition in Swedish firms. *Corporate governance: an international review*, 12 (3) , 281-289.
- Ronen, J. , & Yaari, V. (2008). *Earnings Management: Emerging Insights in Theory, Practice, and Research*. New York: Springer US.
- Schoonhoven, C. B. (1981). Problems with contingency theory: testing assumptions hidden within the language of contingency theory. *Administrative science quarterly*, 26 (3) , 349-377.
- Scott, W. R. (1998). *Organizations: Rational, natural, and open systems*. Prentice hall.
- Setayesh, M. H. , & Ebrahimi, F. (2012). Effects of Corporate Governance on Earnings Informativeness of the Companies in Tehran Stock Exchange. *Journal of Accounting Knowledge*, 3 (8) , 31-48. (In Persian).
- Shields, J. F. , & Shields, M. D. (1998). Antecedents of participative budgeting. *Accounting, organizations and society*, 23 (1) , 49-76.
- Strebel, P. (2004). The case for contingent governance. *MIT Sloan Management Review*, 45 (2) , 59.
- Tanani, M. , & Mohebkah, M. (2014). The Relation of Business Strategy with Earnings Quality and Stock Return in Firms listed in TSE. *Journal of Empirical Research in Accounting*, 4 (1) , 105-127. (In Persian).

- Tian, G. Y. , & Twite, G. (2011). Corporate governance, external market discipline and firm productivity. *Journal of Corporate Finance*, 17 (3) , 403-417.
- Warfield, T. D. , Wild, J. J. , & Wild, K. L. (1995). Managerial ownership, accounting choices, and informativeness of earnings. *Journal of accounting and economics*, 20 (1) , 61-91.
- Williamson, O. E. (1983). Organization form, residual claimants, and corporate control. *the Journal of Law and Economics*, 26 (2) , 351-366.
- Wu, H. L. (2008). When does internal governance make firms innovative? *Journal of Business Research*, 61 (2) , 141-153.
- Zahra, S. A. , & Pearce, J. A. (1989). Boards of directors and corporate financial performance: A review and integrative model. *Journal of management*, 15 (2) , 291-334.
- Zajac, E. J. , & Westphal, J. D. (1994). The symbolic management of CEO compensation. *Administrative Science Quarterly*, 39, 367-90.
- Zona, F. , Zattoni, A. , & Minichilli, A. (2013). A contingency model of boards of directors and firm innovation: The moderating role of firm size. *British Journal of Management*, 24 (3) , 299-315.